Archive of SID

کهن‌نامهٔ ادب پارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال ششم، شمارهٔ اول، بهار ۱۳۹٤، ۲۳ – ٤٥

طرزهای شعری نزد قدما

بررسی رویکردهای سبک‌شناسانهٔ تذکره‌نویسان دورهٔ صفوی

حجت برهانی*
مریم صالحی‌نیا**

چکیده

موضوعات انتقادی و سبکی حضوری چشم‌گیر در تذکره‌های دورهٔ صفوی دارند. رویکرد اصلی و فراگیر تذکره‌نویسان این دوره رویکرد شمّی است؛ به این معنا که همانند پژوهش‌گران امروزی به شکل آگاهانه از مبنای نظری و شیوهٔ عملی خاصی بهره نبرده‌اند و توصیفات پشتوانهٔ علمی مشخصی ندارد. بنابراین آرای سبک‌شناسی تذکره‌نویسان دورهٔ صفوی دوران طفولیت خود را می‌گذرانده است؛ اما این بارقه‌های آغازین و هرچند غیرعلمی، به دلیل حضور تذکره‌نویس در متن جریان‌ها، توجه به فردیّت شاعران، و چندجانبه‌نگری به مسائل سبکی، زمینه‌ساز شناخت دقیق‌تر جریان‌های شعری گذشته و هم‌چنین شناخت پیشینهٔ سبک‌شناسی زبان فارسی شده است. این پژوهش رویکردهای گوناگون تذکره‌نویسان به مسائل سبکی را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که تذکره‌نویسان در ژرفنای رویکرد فراگیر شمّی خود، علاوه بر مسائل ذوقی به نکات مهم تاریخی، محتوایی، تطبیقی، زبانی، و بلاغی طرزها (سبک) نیز توجه کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: تذکره، دورهٔ صفوی، رویکردهای سبک‌شناسانه، طرز.

۱. مقدمه

دانش سبک‌شناسی در ادبیات و تذکره‌های فارسیِ قدیم مستقل و برجسته نبوده است.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد Borhani.hojat@yahoo.com
** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسندهٔ مسئول) m.salehinia@um.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹٤/۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹٤/۲/۱۷

www.SID.ir

Archive of SID

اغلب محققان معاصر در کتاب‌های سبک‌شناسی خود مباحث کوتاهی را به موضوعات سبکی موجود در تذکره‌ها اختصاص داده‌اند. این محققان بر این نظرند که سبک‌شناسی نزد قدما تعریف و جایگاهی مشخص نداشته، اما به شکلی ضعیف در تذکره‌ها مطرح شده است. آن‌ها به این مسئله اذعان می‌کنند که از عصر صفویه به بعد مفاد سبک در تذکره‌های سبک هندی به چشم می‌خورد. از نظر این محققان دیدگاه تذکره‌نویسان بسیار اجمالی و توأم با مسامحه و ملاحظه بوده است (← بهار، ۱۳٦۳: ١٤؛ غلامرضایی، ۱۳۸۷: ٢٦؛ شجیعی، بی‌تا: ١٦).

درست است که توصیفات تذکره‌نویسان پشتوانهٔ علمی و نظری مشخصی ندارد و حتی گاهی دیدگاهشان اشتباه است، با این حال نمی‌توان این مسئلهٔ مهم را نادیده انگاشت که مؤلفان تذکره‌های عصری و معاصرنویسانی که رویدادهای ادبی زمان خود را گزارش می‌کرده‌اند خوانندگان جدی شعر فارسی بوده‌اند. این تذکره‌نویسان در متن جریان‌های ادبی بوده‌اند و از این طریق وقایع را به شکلی زنده برای خوانندهٔ امروزی روایت کرده‌اند (فتوحی، ۱۳۸۷: ۱۹). این افراد به دلیل حضور در فضای جامعه، روح حاکم بر زمانه، و نبود پارادایم‌ها و هنجارهای علمی امروزی، به جریان‌شناسی، تعریف مفاهیم، و تحلیل مسائل نپرداخته‌اند؛ اما همین اطلاعات خام برای پژوهش‌گران امروزی که قصد بررسی علل مختلف شکل‌گیری و چگونگی گسترش جریان‌های شعری را دارند، بسیار روشن‌گر و حائز اهمیت است. برای شناخت لحن، ذوق، مسائل انتقادی، عناصر زیبایی‌شناختی، و ویژگی منحصر به فرد ادبی هر عصری باید متون آن دوره را بررسی کرد. بنابراین تذکره‌ها از مهم‌ترین منابع شناخت تاریخ و پیشینهٔ ادبی ما هستند (فتوحی، ۱۳۸۵ الف: ۲۱).

در دورهٔ صفوی تذکره‌نویسان زبان فارسی از معیارهای سنتی فراتر رفته‌اند و جنبه‌های انتقادی دیدگاهشان افزایش یافته است. تذکره‌نویسان این دوره، به دلیل توجه زیادی که به شاعران معاصر خود داشته‌اند، خوانندهٔ امروزی را با جریان‌های شعری، ذوق ادبی، مسائل انتقادی، و ... آشنا می‌کنند (همان: ۲۳). در بین کتاب‌های این دوره، برخلاف دوره‌های پیشین که نظریات فضلا فقط در حد تدریس می‌مانده است، رشد و تحول علوم بلاغی و ادبی (عروض و بدیع، معانی و بیان، و ...) به لحاظ استفادهٔ کاربردی و وارد شدن آن‌ها در مباحث انتقادی و توصیفات تذکره‌ها کاملاً مشهود است (شمیسا، ۱۳۸٦: ۱۲۸).

آن‌چه بیش‌تر اهمیت رویکرد سبک‌شناسانهٔ تذکره‌های زبان فارسی را نشان می‌دهد، بررسی، توصیف، و تبیین رویکردهای گوناگون تذکره‌نویسان در مسائل سبکی است. بررسی و شناخت این نظریات و رویکردها از دو جنبه حائز اهمیت است. نخست به دلیل

www.SID.ir

Archive of SID

اهمیت این متون در بازیابی ریشه‌های علم سبک‌شناسی و مفهوم اصطلاح طرز (سبک) در سنت ادبی و دیگری به دلیل اهمیت و راه‌گشا بودن این نظریات و توصیفات در حوزهٔ سبک‌شناسی و شعرشناسی درزمانی. اگر سبک‌شناسان معاصر علاوه بر پیش‌فرض‌ها، روش‌ها، نظریات، و دریافت‌های سبکی خود در نگرش‌ها و نظریات تذکره‌نویسان نیز تأمل کنند، از دسته‌بندی‌های کلی و نادیده گرفتن جریان‌های مختلف و سبک‌های فردی برحذر خواهند بود و به مستندات بسیار معتبر و بی‌بدیلی دست خواهند یافت.

۱.۱ پیشینهٔ پژوهش

محمدرضا شفیعی کدکنی در مقاله‌ای با عنوان «مسائل سبک‌شناسی از نگاه آرزو» (۱۳۸۲)، به دقت‌های سراج‌الدین علیخان آرزو (خان‌آرزو) در مباحث گوناگون سبک‌شناسی از قبیلِ سبک شخصی شاعران، شاعران مؤثر در تحول سبک‌ها، بسامدهای سبکی در یک اثر، زبانِ معیار، نظریات سبک‌شناسی تاریخی، و تحول سبک‌ها می‌پردازد. شفیعی کدکنی در این مقاله سعی می‌کند دیدگاه‌های خان‌آرزو را با دستاوردهای علمی جدید مقایسه و ارزیابی کند. شفیعی کدکنی بر دقت‌های سبک‌شناسانهٔ خان‌آرزو صحه می‌گذارد و می‌گوید: «در طول تاریخ ادبیات ما، هیچ یک از شاعران و ادیبان دوازده قرن دورهٔ اسلامی، در تشخیص مسائل سبکی به پای خان‌آرزو نمی‌رسند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۲: ۱)؛ به طوری که «می‌توان او را آگاه‌ترین ادیب در شناخت مسائل سبک‌شناسی دانست» (همان)؛ اما در شواهد متنی موجود هیچ نشانی از تذکرهٔ *مجمع النفایس* خان‌آرزو نیست. شفیعی کدکنی فقط به مباحث نظری سبک‌شناسانهٔ خان‌آرزو در دیگر آثار چون *رسالهٔ مثمر*، *سراج منیر*، *تنبیه الغافلین*، و ... توجه دارد که شاید به این دلیل باشد که شفیعی کدکنی در برخی موضوعات روی چندان خوشی به تذکره‌ها نشان نمی‌دهد (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۲۹۱). در حالی که در تذکرهٔ *مجمع النفایس* بسیار به مسائل نظری سبکی و تقسیم‌بندی‌های طرزهای شعری توجه شده است و سبک‌شناسی جریان‌ها و طرزهای مختلف به طور گسترده در آن دیده می‌شود. محمود فتوحی نیز در کتاب *نقد ادبی در سبک هندی* (۱۳۸۵) فضای ادبی و موضوعات انتقادی دورهٔ صفوی را بررسی کرده است. این کتاب در پنج فصل، ذوق و اندیشه، مسائل عمدهٔ نقد ادبی، و آرای منتقدان این دوره را بررسی کرده است. فتوحی در جای جای این کتاب گوشهٔ چشمی نیز به موضوعات سبکی داشته است. فصل سوم کتاب فتوحی بحثی دربارهٔ طرز و سبک دارد. به طور کلی در این کتاب اطلاعات ضروری و مفید و مستندی دربارهٔ فضای ادبی و انتقادی دورهٔ صفوی وجود دارد. با این همه چون موضوع سبک در

www.SID.ir

Archive of SID

دیدگاه تذکره‌نویسان به طور خاص مد نظر نویسنده نبوده است، طبعاً تمرکز بحث بر تبیین سازوکار دیدگاه‌های سبک‌شناختی تذکره‌نویسان نیست.

۲.۱ معرفی پیکرهٔ متنی پژوهش

این پژوهش برای اثبات مدعای خود ۱۰ تذکره از تذکره‌های قرون دهم تا دوازدهم قمری را بررسی کرده است. دربرداشتن طرزهای شعری گوناگون، توجه کردن به موقعیت جغرافیایی نگارش تذکره‌ها، نوآوری و توصیفات دقیق تذکره‌ها از طرزهای شعری، و رونویس نبودن دلیل انتخاب این تذکره‌ها بوده است. تذکره‌های انتخاب‌شده عبارت‌اند: از قرن ۱۰ ق پنج تذکره: *تحفهٔ سامی* (۹۵۷ ق)، *نفایس المآثر* (۹۹۷ ق)، *منتخب التواریخ* (۱۰۰٤ ق)، *مجمع الخواص* (۱۰۱٦ ق)، و *خلاصة الأشعار و زبدة الأفکار* (۱۰۱٦ ق). از قرن ۱۱ ق دو تذکره: *عرفات العاشقین* (۱۰۲٤ ق) و *نصرآبادی* (۱۰۹۰ ق). از قرن ۱۲ ق سه تذکره: *سفینهٔ خوشگو* (۱۱٤۷ ق)، *مجمع النفایس* (۱۱٦٤ ق)، و *بهارستان سخن* (۱۱۹۲ ق).

۲. رویکردهای سبک‌شناسانهٔ تذکره‌ها

رویکرد اصلی و فراگیر تذکره‌نویسان رویکرد شمّی است. در رویکرد شمّی تذکره‌نویسان با دریافت‌های شهودی و شمّ شخصی و از طریق انس و آشنایی با متن، به مشخصه‌های متمایز متن دست می‌یابند (فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۲۷) و به توصیف، طبقه‌بندی، مقایسه، و گاه تحلیل شعر و طرز شعری شاعران و سیر تطور سبک‌ها می‌پردازند. بنابراین از ره‌گذر همین شمّ و درک شهودی است که هوش‌مندی و ممارست، کلید شناخت تفاوت‌ها، شباهت‌ها، و نکته‌بینی‌های تذکره‌نویس می‌شود.

در گسترهٔ این رویکرد شمّی، تذکره‌نویسان گاه از دانش‌های بلاغی و گاه از اطلاعات تاریخی خود بهره برده‌اند که طبعاً چنین نظرگاهی به معنای امروزی روش‌مند و علمی نبوده است. بنابراین تعبیر «رویکرد» در این بحث به معنای علمی و منسجم امروزی آن نیست، بلکه بیش‌تر بیان‌کنندهٔ خاستگاه تأملات تذکره‌نویس در گسترهٔ فراگیر نظریات و ادراکات شمّی است.

اگر بخواهیم رویکردهای کلی تذکره‌ها در زمینهٔ سبک‌شناسی را دسته‌بندی کنیم، می‌توانیم آن‌ها را در پنج دستهٔ کلیِ رویکرد ذوقی (عاطفی)، رویکرد تاریخی ـ جغرافیایی، رویکرد محتوایی، رویکرد تطبیقی، و رویکرد زبانی ـ بلاغی جای دهیم.[۱]

www.SID.ir

Archive of SID

۱.۲ رویکرد ذوقی

رویکرد ذوقی در میان دریافت‌ها و ادراکات فراگیرِ شمّیِ تذکره‌نویسان رویکردی خواننده‌محور به شمار می‌رود. در این رویکرد تذکره‌نویس احساس، درک، و تأثر خود را در برخورد با اشعار و طرزهای گوناگون (به‌خصوص شاعران معروف و بزرگ) بیان می‌کند. تذکره‌نویسان، در توصیفات ذوقی، بیش از آن‌که قصد توضیح و توصیف اشعار را داشته باشند، درک و حس عاطفی خود را از اشعار بیان می‌کردند. کلی‌گویی، تعریف و تمجید، زبان شاعرانه و احساسی، تشخیص، و جان‌بخشی به اشعار و طرزها از ویژگی‌های توصیفات ذوقی‌اند. توصیفات ذوقی را با توجه به اصطلاحات مورد استفاده در آن می‌توان به دو دستهٔ کلی تقسیم کرد؛ دستهٔ اول اصطلاحاتی که گزاره‌های کلی و احساسیِ غیراستعاری را دربارهٔ طرزهای شعری بیان می‌کنند و دستهٔ دوم بیان استعاری و شاعرانهٔ این توصیفات کلی و احساسی.

۱.۱.۲ توصیفات غیراستعاری

گزاره‌های کلی دستهٔ اول شامل اصطلاحاتی مانند شعر مستعدانه (کاشی، ۱۰۸۳: ۱۱۹۳ پ[۲])، ابیات صاحب‌طبیعتانه (اوحدی بلیانی، ۱۳۸۸: ۱/ ٦٤٦)، اشعار شاعرانه (کاشی، ۱۳۸٤: ۳۷۱)، و اشعار شترگربه (صفوی، ۱۳۸٤: ۱۷۹) می‌شود. برخی از پژوهش‌گران معاصر، با توجه به کاربرد این اصطلاحات و تعاریف قدما، سعی کرده‌اند تعریفی مشخص از برخی از این اصطلاحات ارائه دهند.[۳] اما بسیارند چنین اصطلاحاتی که از طریق آن‌ها نمی‌توان دریافت منظور تذکره‌نویس از بیان آن‌ها چیست و به کدام ویژگی طرز شعری اشاره دارد؛ زیرا این اصطلاحات بیان و احساسی کلی در مورد کلیت طرز شاعران است.

این نوع توصیفات در دورهٔ خود بی‌ارزش نبوده‌اند؛ اما در این دوره و بعد از گذشت چند قرن و گسست تاریخی و معنایی دلالت‌های انضمامیِ زبانی، ما قادر به درک این اصطلاحات نیستیم؛ زیرا در گذشته نیز همانند این دوره فرهنگ‌های توصیفی برای اصطلاحات تخصصی وجود نداشته و نیازی هم به تعریف آن احساس نمی‌شده است (فتوحی، ۱۳۸۵ الف: ۱۲۱)؛ اما این اصطلاحات در بافت موقعیتی و اجتماعی کاربران زبان (سخن‌سنجان و اهل نظم) معنا و مفهوم خاص خود را داشته است. تقی‌الدین کاشی دربارهٔ شاعری به نام قاضی میرک جان می‌نویسد: «در مرتبهٔ برادر و پسر جفاپیشهٔ ستمگر قصیده گفته که در اصطلاح اهل نظم مستعدانه است» (۱۰۸۳: ۱۱۹۳ پ). اصطلاح «اهل نظم»

www.SID.ir

Archive of SID

به‌خوبی بر ما آشکار می‌کند که این واژگان معانی و کاربردهای خاص خود را داشته و اهل نظم و کاربران تخصصیِ این اصطلاحات مفهوم آن را درک می‌کرده‌اند.

۲.۱.۲ توصیفات استعاری

در توصیفات ذوقی تذکره‌نویسان از صنعت تشبیه، جان‌بخشی، و کاربردهای گوناگون زبان شاعرانه استفاده می‌کنند. از ویژگی‌های عمدهٔ این توصیفات وجود اصطلاحات و ترکیب‌های استعاری است. استعاره در دیگر رویکردهای تذکره‌نویسان و به طور کلی همیشه در ذات فرایند زبانی وجود داشته است؛ اما در رویکرد ذوقی شکلی شاعرانه و نوآورانه به خود می‌گیرد و از استعاره‌های تکراری و مردهٔ زبانی فراتر می‌رود. در این استعاره‌ها، بیش از آن‌که استعاره در خدمت بیان باشد، بیان در خدمت استعاره است. در واقع بیان این حس شاعرانه و تأثیر عاطفی تذکره‌نویس در برخورد با اشعار و طرزها اهمیت بیش‌تری از توضیح و تبیین مسائل شعری دارد.

از منظر بررسی استعاره‌های شناختی این توصیفات را می‌توان ذیل «بن‌مایه‌های استعاری» گوناگون جای داد. سام‌میرزا در توصیف طرز مولانا محمد شرفی می‌نویسد: «ابکار افکارش به لباس معنی‌های رنگین آراسته و عروس حجلهٔ خیالش به زر و زیور قبول آراسته» (صفوی، ۱۳۸٤: ۱۲۲). عناوینِ «ابکارِ افکار»، «معنی‌های رنگین»، «عروس حجلهٔ خیال»، و «زر و زیور» همگی نشانَ از انسان‌وارگی این اصطلاحات ادبی دارند و استعارهٔ مفهومی «جشن ازدواج» را به ذهن متبادر می‌کنند. اوحدی بلیانی دربارهٔ حسن شفایی می‌نویسد: «در بحر *خسرو و شیرین* دست و پایی می‌زند و تلاش بسیار دارد» (۱۳۸۸: ۳/ ۲۰۲٤). در این گزاره واژهٔ «بحر» فقط به معنی وزن عروضی نیست. واژهٔ بحر با ایهام تناسبی که با اصطلاحات دست و پا زدن و تلاش کردن برقرار می‌کند استعارهٔ حجمی «دریا» و شنا کردن برای نجات یافتن را در ذهن متبادر می‌کند. این گزاره از یک طرف دیدگاه تذکره‌نویس را دربارهٔ ارزش و عظمت منظومهٔ *خسرو و شیرین* نظامی گنجوی نشان می‌دهد و از طرف دیگر دیدگاه او دربارهٔ شیوهٔ شاعری حسن شفایی اصفهانی و نسبت ارزش اشعار او با اشعار نظامی را بر ما روشن می‌کند. با بررسی و یافتن چنین استعاره‌هایی می‌توان به نظام شناختی ذهن تذکره‌نویسی چون اوحدی و به تبع آن، دیدگاه‌ها و نوع تلقی معاصران او در برخورد با مسائل شعری دست یافت. در این مبحث فقط به دو بن‌مایهٔ استعاری در دیدگاه تذکره‌نویسان اشاره می‌کنیم.

www.SID.ir

Archive of SID

استعارهٔ مفهومی «خوردن»: تذکره‌نویسان در این نوع توصیفات گویی اشعار و طرزهای گوناگون را می‌خورند یا می‌نوشند. کامی قزوینی دربارهٔ شاعری به نام مولانا قاسم می‌نویسد: «شاعری بلیغ و شیرین‌کلام است و به حسن خط و لطف طبع مقبول خاص و عام ... به گفتن اشعار آب‌دار عاشقانه در زمانه بی‌بدل است» (بی‌تا: ذیل «ارسلان»). بداونی دربارهٔ شیخ فیضی می‌نویسد: «مدت چهل سال درست شعر گفت، اما همه نادرست، استخوان‌بندی او خوب، اما بی‌مغز؛ مصالح شعر او سراپا بی‌مزه» (۱۳۷۹: ۳/ ۲۰۵). صادقی کتابدار (صادقی بیگ افشار) دربارهٔ قاسم بیگ حالتی می‌نویسد: «طبعش روان و شعرش آب‌دار است و سخن بدیع بسیار دارد» (۱۳۲۷: ۱۰۹). شاهنوازخان خوافی دربارهٔ میرالهی می‌نویسد: «در سخن‌سنجی به خوش‌سلیقگی معروف، چاشنی کلامش بسیار راست‌مزه بود» (۱۳۸۸: ۵۰۱). اصطلاحاتی مانند «کلام شیرین»، «اشعار آب‌دار»، «ابیات بی‌مزه»، «نمک فصاحت»، «چاشنی تصوف»، «شعر خام»، «تنور خیال»، «مشق پخته»، «شاعر پخته‌گو»، و ... همگی نشان از استعارهٔ مفهومی خوردن دارند.

استعارهٔ مفهومی «جسم‌پنداری»: در این توصیفات تذکره‌نویسان اشعار شاعران را همانند اجسامی مانند پارچه، شیشه، و ... تصور می‌کرده‌اند. کامی قزوینی دربارهٔ شاعری با تخلص قراضه می‌نویسد: «از شعرای خوش‌طبع قزوین است و در رنگ ظرافت و مطایبات سخنان شوق‌انگیز بسیار دارد» (بی‌تا: ذیل «قراضه»). تقی‌الدین کاشی دربارهٔ مولانا بهاری می‌نویسد: «طبعش خالی از شوخی نیست و ابیات رنگین و سخنان دلنشین دارد» (۱۳۸٤: ۳۸۳). کاشی هم‌چنین دربارهٔ ظهیر فاریابی می‌نویسد: «سخنان ظهیرالدین نازک‌تر از سخن حکیم انوری است» (۱۰۸۳: ۲۵۸ پ). اوحدی بلیانی دربارهٔ نجم‌الدین نسفی می‌نویسد: «فکرتی دارد از گوهر خورشید شفاف‌تر» (۱۳۸۸: ۱/ ٦٥٤). اصطلاحاتی مانند «ابیات رنگین»، «ابیات نازک»، «فکر شفاف»، «لفظ‌تراشی»، و «الفاظ پاکیزه» همگی دلالت بر جسم‌پنداری طرزها و اشعار دارند.

اصطلاحات دیگری نیز در تذکره‌ها وجود دارند که با یافتن موارد مشابه می‌توان آن‌ها را در دسته‌های گوناگون استعاری جای داد؛ مانند «شعر روان»، «شعر پرزور»، «اشعار صاف»، «تخم تصوف»، و «ابیات هموار». توصیفات ذوقی در تذکره‌های ایرانی بیش‌تر دیده می‌شوند. در مقایسه با تذکره‌های هندی مانند *سفینهٔ خوشگو*، *مجمع النفایس*، و *بهارستان سخن*، این توصیفات، چه از لحاظ بسامد و چه از لحاظ تنوع اصطلاحات، در تذکره‌هایی مانند *خلاصة الأشعار*، *عرفات العاشقین*، و *تذکرهٔ نصرآبادی* بیش‌تر استفاده شده‌اند. یکی از دلایل این موضوع می‌تواند زبان‌دانی تذکره‌نویسان ایرانی و آشنایی کامل آن‌ها با زبان مادری

www.SID.ir

Archive of SID

باشد. تذکره‌نویسان ایرانی در مقایسه با تذکره‌نویسان هندی دامنهٔ لغات وسیع‌تر و تسلط بیش‌تری به زبان مادری خود داشته و به همین دلیل از ترکیبات و اصطلاحات شاعرانهٔ بیش‌تری در بیان حس درونی و تأثری خود بهره برده‌اند.

۲.۲ رویکرد تاریخی ـ جغرافیایی

۱.۲.۲ توجه به طرزهای شعری گوناگون از لحاظ زمانی

در این توصیفات تذکره‌نویسان طرز شعر شاعران را به سه دسته تقسیم می‌کنند؛ طرز قدما، طرز متوسطین، و طرز متأخرین یا معاصران. گاهی نیز اشعار شاعران و طرز شعری آن‌ها را با نام پادشاهان زمان معرفی می‌کنند. بداونی دربارهٔ شاعری به نام میر عزیزالله می‌نویسد: «شعرش همه بر طرز شعرای زمان سلطان حسین میرزا واقع است» (۱۳۷۹: ۳/ ۱۹۲). صادقی کتابدار دربارهٔ مولانا شاه محمود می‌نویسد: «شعر را به طرز قدما می‌گفت» (۱۳۲۷: ٢٦٤). آرزو بدون اطلاع از زندگی‌نامهٔ شاعر، با توجه به طرز او، به دورهٔ شعری شاعر اشاره می‌کند. آرزو دربارهٔ شاعری به نام صبری می‌نویسد: «غیر هر دو صبریِ مذکور، اشعار او در مجموع به نظر آمده و احوالش معلوم نیست. طرزش مانا به متوسطین است» (۱۳۸۵: ۲/ ۸۷۰). تقی‌الدین کاشی دربارهٔ مولانا همدمی می‌نویسد: «در فن غزلْ ابیات سادهٔ عاشقانه به طرز شعرای زمان خود بسیار دارد» (١٣٨٦: ٦٥).

۲.۲.۲ متروک شدن و از بین رفتن طرزهای شعری

در این توصیفات تذکره‌نویسان به مطالبی دربارهٔ طرزهای متروک زمان خود، اوج و فرود طرز شاعران، و ذوق مورد پسند زمان اشاره می‌کنند. این مطالب از نظر دوره‌بندی‌های تاریخی و دوره‌های گذار حائز اهمیت‌اند. تقی‌الدین کاشی دربارهٔ مولانا گلشنی می‌نویسد: «تتبع طوسی و سیفیِ بخاری می‌نمود و به جانب مثل‌گویی و آن طرز متروک میل می‌فرمود» (١٣٨٦: ٦٠). کاشی هم‌چنین دربارهٔ بدرالدین جاجرمی می‌نویسد: «در التزام صنایع تأکید می‌ورزید و چندین غزل نیز گفته که التزام حروف بی‌نقطه و بانقطه و دیگر صنایع کرده و الیوم متروک است» (۱۰۸۳: ٤٢٠ ر). این مثال‌ها به‌خوبی ذوق حاکم بر زمان تذکره‌نویس را نشان می‌دهد. کاشی دربارهٔ مولانا عهدی بن شمسی می‌نویسد: «در شاعری تتبع پدر می‌کند و هیچ طرز سوای آن طرز متروک نمی‌پسندد» (همان: ١١٨٤ ر) و شمسی که پدر عهدی بوده به طرز خواجه آصفی هروی شعر می‌سروده است (همان: ۱۱۸۳ ر). از این توصیف مشخص می‌شود که تقی‌الدین کاشی طرز آصفی هروی را در دورهٔ خود

www.SID.ir

Archive of SID

متروک می‌دانسته است. از آن‌جا که فاصلهٔ زمانی چندانی بین آصفی هروی (۸۵۳–۹۲۳ ق) و تقی‌الدین وجود ندارد، اصطلاح «طرز متروک» نشان از تحولی سریع در جریان‌های ادبی این دوره دارد؛[٤] در حالی که تحولات ادبی در تاریخ ادبیات ما همیشه به‌کندی شکل می‌گرفت. اوحدی بلیانی دربارهٔ وحشی بافقی می‌نویسد: «وقتی مولانا محتشم طنطنهٔ شاعری‌اش قاف تا قاف گرفته بود او برآمده و طرز نوی در عرصه آورد و هم در زمان حیات او طرز او را منسوخ گردانیده است» (۱۳۸۸: ۳/ ٤۰۷٦). بسیاری از تذکره‌نویسان بعدی و به تبع آن‌ها محققان معاصر دلیل منسوخ شدن طرز محتشم کاشانی را اشعار واسوختی وحشی بافقی و ابداع او در این شیوه دانسته‌اند (فتوحی، ۱۳۹۳: ۲۳). اما وحشی بافقی مبدع طرز واسوخت نبوده و محتشم کاشانی پیشرو و سرآمد طرز واسوخت است (← همان). در جای دیگری اوحدی دربارهٔ محتشم کاشانی می‌نویسد: «در اواخر، غزل را نه به ذوق خود می‌گفت، بلکه به روشی که عوام پسند کردندی و فهمیدندی و مطبوع ایشان افتادی گفتی، مرتبه به مرتبه از نظر اعتقاد خواص افتاده» (۱۳۸۸: ۳/ ۳۵۸٤). از این گزاره مشخص می‌شود که بی‌میلی خواص به طرز شعر محتشم و به تبع آن‌ها اوحدی بلیانی به دلیل واسوخت‌گویی وحشی بافقی نبوده، بلکه دلیلش اقبال نیاوردن خواص به طرز شعری محتشم بوده است.

۳.۲.۲ تغییر طرز شاعران در طول زندگی

یکی دیگر از مسائلی که تذکره‌نویسان به آن توجه کرده‌اند تغییر طرز شعری شاعران در طول زندگی خود بوده است. با بررسی نظریات و توصیفات تذکره‌ها درمی‌یابیم که گاهی شاعران در طول زندگی طرز شعری خود را تغییر می‌دادند. تقی‌الدین کاشی دربارهٔ طهماسب قلی‌بیگ می‌نویسد: «در ابتدا سخنان سهل و ممتنع در سلک قلم خصوصاً در غزل ایراد می‌کرد؛ لیکن در این اوقات به طرز خواجه ثنایی به شیوهٔ غزل‌گویی و اغلاق سخن و تدقیق معانی می‌کوشد» (۱۰۸۳: ۱۱۱۱ ر). اوحدی دربارهٔ ملک قمی می‌نویسد: «در سخن همیشه یگانگی و بلندگویی‌ها داشته و دارد. خصوص از اواسط عمر تا غایت که بالکلیه طرز وقوع را برطرف کرده» (۱۳۸۸: ٦/ ۳۷۲۷).

۴.۲.۲ طرزهای مورد پسند طبقات مختلف

در این توصیفات خواننده اغلب با دو قطب طبقهٔ خواص و عوام مواجه می‌شود. تقی‌الدین کاشی دربارهٔ سیّد اشرف تبریزی می‌نویسد: «جانب مثل‌گویی‌اش عالی است و در آن روزگار این طرز را [عوام] می‌پسندیده‌اند؛ لیکن حالت عشق و سوز و محبت از آن مفهوم

www.SID.ir

Archive of SID

نمی‌شود» (۱۰۸۳: ۸۷۲ پ). عبدالله طوسی دربارهٔ این شاعر می‌نویسد: «شعرش عام‌فریب است و مثل عوام را نیکو تتبع کرده است؛ اما در نظر خواص اشعار وی را قدر و قیمتی نیست» (همان: ۸۲۵ ر). بداونی دربارهٔ شاعری به نام دانهی می‌نویسد: «اکثر شعر به همان زبان روستایانه می‌گفت و غزلیات به زبان فصیح نیز بسیار دارد. چون طرز خواندن و نوشتن زبان خاصِ او بر عام دشوار [بود] بنابراین متروک شد» (۱۳۷۹: ۳/ ۱۵۹). اصطلاحات «نبود سوز و گداز» و «محبت در اشعار» به نبود ویژگی‌های اشعار وقوعی در این دوره اشاره دارد که نشان چندانی نیز در بین اشعار شاعران قرن نهم ندارد؛ زیرا اغلب اشعار آن‌ها با صنایع و معماهای پیچیده همراه بوده است. اصطلاحات «عام‌فریب»، «پسند روزگار»، «مثل عوام»، «زبان روستایانه»، و «عدم التفات خواص» همگی نشان از تحول طرز و انشعاب شعر خاص‌پسند درباری به شاخهٔ عام‌پسند بازاری در دورهٔ صفوی دارد.

۵.۲.۲ ابداع طرز خاص توسط شاعران

این توصیفات به منشأ، ابداع، و رواج یافتن طرز خاص یک شاعر اشاره دارند. تقی‌الدین کاشی دربارهٔ سیفی عروضی می‌نویسد: «در طریق مثل‌گویی شروع [به شاعری] کرد و به‌غایت خوب گفت و چون او کسی در مثل‌گویی شروع ننموده و از برای اهل صنعت و حرفت شعرها گفت که در میان عوام شهرت تمام دارد و گویا که در آن فن مخترع است» (بی‌تا: ٦ ر، ۷ پ). شاعری مانند سیفی عروضی جایگاهی خاص در تاریخ ادبیات ما ندارد؛ در حالی که در تذکره‌ای مانند *خلاصة الأشعار* این شاعر و شاعرانی از این قبیل به دلیل اختراعات و ابداعات شعری مورد توجه بوده و شاعران بسیاری از آن‌ها پیروی می‌کرده‌اند. از آن‌جا که یکی از ویژگی‌های بارز شعر دورهٔ صفوی وجود اصطلاحات کوچه و بازار است، نباید به‌سادگی از کنار چنین شاعرانی گذشت که در دورهٔ خود (تقریباً قبل از رواج ادبیات دورهٔ صفوی یا سبک هندی) مشهور بوده و شاعران زیادی از آن‌ها تتبع می‌کرده و مخترع طرز نیز معرفی شده‌اند. گرچه سیفی عروضی شاعری خاص‌پسند و عام‌فریب[۵] چون حافظ شیرازی نیست، با بررسی چنین مواردی است که می‌توان از تکرار سخنان ارزش‌مند محققان گذشته دربارهٔ سبک هندی فراتر رفت و به توصیف و تبیین چگونگی تبدیل و تحول شعر درباری به شعر بازاری پرداخت.

صادقی کتابدار دربارهٔ شرف‌جهان می‌نویسد: «روش وقوع به وسیلهٔ وی شیوع یافت» (۱۳۲۷: ٤٠). آرزو نیز، هنگام توصیف طرز شرف‌جهان قزوینی، دربارهٔ اختراع طرز وقوع محتاطانه می‌نویسد: «طرز وقوع در غزل گویا آفریده و اختراع اوست و از متأخران و

www.SID.ir

Archive of SID

متوسطین پیش از او کم کسی در آن کوشید» (۱۳۸۵: ۲/ ۷۶۲). اگرچه به‌دشواری می‌توان شروع و اختراع سبک و طرز شعری خاصی را به شاعر خاصی نسبت داد، واضح است که چنین شاعرانی توجه خاصی به نوعی از اشعار داشته‌اند؛ به طوری که این توجه و ویژگی برجسته جزء صفات منحصر به فرد سبک شاعر محسوب می‌شده است. آزاد بلگرامی در توصیف طرز میرزا شرف‌جهان به‌خوبی به این مسئله اشاره کرده است. بلگرامی «خال خال» شعر وقوعی را در اشعار سعدی می‌بیند و امیر خسرو را «بانی» طرز وقوع می‌داند، اما دربارهٔ شرف‌جهان قزوینی نیز می‌نویسد: «طبعش به وقوع‌گویی بسیار مایل افتاد و این طرز را به حد کثرت رساند» (۱۳۹۰: ۳۵). عبارت «بسیار مایل» و «حد کثرت» در دیدگاه بلگرامی نشان از بسامد بالا و کامل شدن ویژگی سبکی، یا به اصطلاح تذکره‌نویسان، نشان از «پختگی طرز» دارد. از این سبب می‌توان شرف‌جهان را مخترع طرز وقوع دانست.

۶.۲.۲ گزارش‌های درزمانی دگردیسی مؤلفه‌های سبکی

در این توصیفات تذکره‌نویسان با دیدی کلی‌تر و گسترده‌تر به مسائل تاریخی می‌نگرند. این نوع از توصیفات در تذکره‌های متأخر چون *مجمع النفایس*، *بهارستان سخن*، و *خزانهٔ عامره* بیش‌تر دیده می‌شوند. این توصیفات نشان از پیش‌رفت و تحول تذکره‌نویسی به سوی تاریخ ادبیات دارند.

توصیفی که خان‌آرزو از سیر تاریخی غزل از آغاز تا میرزا شرف‌جهان قزوینی ارائه می‌دهد بسیار دقیق و راه‌گشاست. او طرز قدما را ساده توصیف می‌کند که به‌تدریج با اشعار کمال‌الدین، سعدی، خواجو، امیرخسرو، و حافظ متحول می‌شود و هر کدام طرحی تازه در شعر می‌افکنند. پس از حافظ و جامی، «بابافغانی به نغمه‌پردازی درآمد و متأخران به ضرب و نطق او به رقص درآمدند و پیروی او اختیار کردند و هر کدام به راهی رفتند. مثلاً طرز عرفی و نظیری و ظهوری و شرف‌جهان با طرز فغانی بلکه از طرز هم‌دیگر نیز جداست» (همان: ۱۱۹۲). شاهنوازخان خوافی دربارهٔ تفاوت قالب غزل و دیگر صنایع نزد قدما و متأخران نظریات فراوانی دارد (شاهنوازخان خوافی، ۱۳۸۸: ۶۹). نظریات شاهنوازخان دربارهٔ سیر تاریخی سبک‌ها، به‌ویژه غزل، و تفاوت آن با نظریات تذکره‌نویسی چون خان‌آرزو نیز از گزارش‌های درزمانی این تذکره است (همان).

رویکرد تاریخی در میان تذکره‌هایی مانند *منتخب التواریخ*، *خلاصة الأشعار*، *عرفات العاشقین*، و *مجمع‌النفایس* بیش‌تر به چشم می‌خورد. در تذکره‌های *تحفهٔ سامی*، *نصرآبادی*، و *سفینهٔ خوشگو* نشانی بارز از این رویکرد دیده نمی‌شود. این موضوع احتمالاً

www.SID.ir

Archive of SID

به دلیل توجه این تذکره‌ها به شاعران معاصر است. گسترهٔ زمانی تذکره‌های *تحفهٔ سامی* و *خوشگو* در مقایسه با تذکره‌هایی چون *منتخب التواریخ* و *خلاصة الأشعار* بسیار کم‌تر است.

۷.۲.۲ طرزهای شاعری مناطق گوناگون

با بررسی این توصیفات در میان تذکره‌ها، با طرز اهالی ماوراءالنهر، خراسان، قزوین، اصفهان، و کشمیر آشنا می‌شویم. این طرزها غالباً با یک صفت خاص توصیف می‌شوند. طرز قزوینانه را عموماً طور و طرز مضحکانه توصیف کرده‌اند (اوحدی بلیانی، ۱۳۸۸: ۲/ ۱۱٤۷؛ لودی، ۱۳۷۷: ٤٥). آرزو دربارهٔ حسین‌خان قزوینی می‌نویسد: «سخنان مضحکهٔ قزوینانه بسیار از او سر زده، اشعار مضحکه گفته» (۱۳۸۳: ۱/ ۳۷۲). طرز ماوراءالنهر اغلب با خیالات و صنایع شعری همراه است. بداونی دربارهٔ مشفقی بخاری می‌نویسد: «بعضی مردم در قصیده او را سلمان زمان می‌دانند و غلطِ عظیم کرده‌اند؛ چه در خیالات ماوراءالنهری‌گری (یدی) طرفه دارد» (۱۳۷۹: ۳/ ۲۲۵). علاوه بر صفت خیال، در تذکرهٔ *مذکر احباب* نثاری بخاری به بسیاری از شاعران ماوراءالنهر برمی‌خوریم که اشعارشان اغلب با صنایع لفظی و معماهای پیچیده همراه است. نظام‌الدین اولیاء طرز اصفهانیان را با صفت عشق توصیف کرده است. کامی قزوینی دربارهٔ امیرخسرو دهلوی می‌نویسد: «امیرخسرو هر نظمی که می‌گفته به خدمت حضرت نظام‌الدین اولیاء می‌گذرانیده. روزی مدحی جهت شیخ گفته و گذرانیده، شیخ گفته‌اند که: 'طریق اصفهانیان بگو! یعنی عشق‌انگیز و زلف و خال‌آمیز'» (بی‌تا: ذیل «امیرخسرو»). تقی‌الدین کاشی طرز شاعرانی مانند درویش دهکی و شهیدی قمی را طرز خراسانی دانسته و دربارهٔ درویش دهکی می‌نویسد: «به طرز اهل خراسان شعر گفته» (بی‌تا: ۷ پ). دربارهٔ شهیدی قمی نیز گفته است: «شعر غزل به طرز اهل خراسان نیکو گفته» (همان: ۱۰۳ پ).

۸.۲.۲ اقبال از طرز شاعران در مناطق مختلف

شاعرانی که اشعارشان در مقایسه با اشعار دیگر شاعران برجستگی و تمایز خاصی داشته است عموماً با دو عکس‌العمل از طرف دیگران مواجه می‌شده‌اند؛ یا طرز شعری‌شان مقبول اطرافیان می‌افتاد یا طرد می‌شد. شاعرانی که از طرف اطرافیان طرد می‌شدند عموماً به مناطق دیگر سفر می‌کردند تا با اشعار و طرز شعری آن‌ها با ارج و احترام برخورد شود. تقی‌الدین کاشی دربارهٔ عصمت بخاری می‌نویسد: «طرز شعرش در ماوراءالنهر شهرت داشته است» (۱۰۸۳: ۷٤٤ پ). او دربارهٔ زین‌الدین علی نیکی می‌نویسد: «اهل عراق اطوار و اشعار وی را بسیار معتقد بودند» (۱۳۸٤: ۸۲).

www.SID.ir

Archive of SID

گاهی به دلیل تفاوت ذوق زیبایی‌شناسی شاعر و منتقدان و به طور کلی مخاطبان شعر، طرز شعری شاعران مقبول دیگران نبود. آرزو دربارهٔ محمد اسلم سالم می‌نویسد: «به سبب طرزی که حالا در کشمیر رواج دارد و حاجی مذکور از آن محظوظ نبود در آن‌جا کم اشتهار دارد» (۱۳۸۵: ۲/ ٦۰۳). طرز شعر شاعرانی چون بابافغانی، شهیدی قمی، و درویش دهکی مقبول شاعران دربار هرات (میرزا سلطان حسین بایقرا) و خراسان نبود؛ اما مورد پسند شاعران دربار سلطان یعقوب (تبریز) بود و این شاعران در آن‌جا شهرت یافته بودند (همان: ۷۷۱، ۱۱۹۱). البته این طرد شدن‌ها گاهی به دلیل خصومت‌های شخصی بود و نمی‌توان علت آن را فقط اختلاف در سبک دانست.

۳.۲ رویکرد محتوایی

قدما در مسائل انتقادی بیش‌تر صورت‌گرا بوده‌اند و به مسائل محتوایی توجه خاصی نکرده‌اند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۲٦)؛ اما از آن‌جا که معنا در نظر شاعران دورهٔ صفوی اهمیت خاصی داشته است (فتوحی، ۱۳۸۵ الف: ۱۰۷)، منتقدان و تذکره‌نویسان این دوره نیز به معنا و محتوا بی‌توجه نبوده‌اند. جدال میان لفظ و معنا همواره در آثار قدما وجود داشته و برخی از آن‌ها طرف‌دار لفظ یا صورت بوده‌اند و برخی طرف معنا را می‌گرفته‌اند. اگر معنا و محتوا را به مفهومی که نزد هگل و مارکس بوده و به معنای امروز آن، یعنی تحلیل گفتمان و ارتباط فرم با ساختارهای اجتماعی آن، تعبیر کنیم، باید گفت که قدما هرگز به محتوا توجه نکرده‌اند؛ چنان‌که توجه آن‌ها به لفظ، صورت، و فرم نیز هم‌چون فرمالیست‌ها و ساختارگرایان امروزی دقیق و منسجم نبوده است. قدما به شیوه‌ای ابتدایی، همان اندازه که به لفظ و صورت توجه کرده‌اند، به معنا و محتوا نیز توجه می‌کرده‌اند؛ زیرا لفظ و معنا اساساً از هم جدا نیستند. صائب در بیت ذیل به این مسئله اشاره دارد.

لفظ بود جلوه‌گاه معنی روشن لیلی ما بی سیاه‌خانه نباشد

(صائب تبریزی، ۱۳۷۰: ٤/ ۲۱٦٤)

از طرف دیگر، از بزرگ‌ترین جریان‌های ادبی شعر دورهٔ صفوی سبک وقوع بوده است. سبک وقوع از لحاظ صنایع و آرایه‌های شعری کاملاً بی‌پیرایه بوده و تفاوت آن با دوره‌های شعری قبل و بعد از خودش بیش از آن‌که در فرم پدیدار شود در محتوا بروز پیدا می‌کند. «طرز وقوع از نظر تصاویر شعر کلاسیک هیچ چیز تازه‌ای به شعر و ادب فارسی نیفزوده است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۲۹). بنابراین تذکره‌نویسان در

www.SID.ir

Archive of SID

توصیف اشعار وقوعی و طرز شاعران این سبک، ناگزیر به محتوا پرداخته‌اند؛ زیرا در حوزهٔ فرم و صورت حرفی برای گفتن نداشته‌اند. یکی دیگر از جریان‌های شعری دورهٔ صفوی طرز «تزریق» بود که مبنای آن بر معنی‌گرایی و بی‌معنی بودن اشعار شاعران است (شفیعیون، ۱۳۸۸: ۳۳).

تذکره‌های دورهٔ صفوی آکنده از اصطلاحاتی است که بر معنی اشعار دلالت دارد. این توصیفات تقریباً در تمام تذکره‌های مورد بررسی به طوری چشم‌گیر وجود دارند. سام‌میرزا صفوی دربارهٔ امیر مطیعی می‌نویسد: «شعر او را معانی خاص بسیار است» (۱۳۸٤: ٦٤). بداونی دربارهٔ ملک قمی می‌نویسد: «از عشق و دردمندی و مضمون تازه بویی به آن‌ها نرسیده» (۱۳۷۹: ۳/ ۱۳۰). تقی‌الدین کاشی دربارهٔ مولانا محتشم می‌نویسد: «ابیات عاشقانه و اشعار مداحانه بر لوح روزگار به یادگار می‌گذارد» (۱۳۸٦: ۱۵). اوحدی بلیانی دربارهٔ میر ابوسادات می‌نویسد: «از سادات یزد است و در نهایت بلاهت، و اشعار بلکه سراپای او همه مضحک و نمکین بود» (۱۳۸۸: ۱/ ٥٥٦). نصرآبادی دربارهٔ میر عبدالعال می‌نویسد: «شعر عاشقانه بسیار دارد» (۱۳۷۸: ۱/ ٤٨٤). آرزو دربارهٔ کلیم کاشانی می‌نویسد: «شعرهایی دردمند و یأسی اکثر دارد» (۱۳۸۵: ۳/ ۱۳۵۲). شاهنوازخان خوافی در مورد کاتبی می‌نویسد: «او را معانی خاص بسیار است و در ادای معانی نیز اسلوب خاص دارد» (۱۳۸۸: ۳٦٤).

اصطلاحاتی مانند «معانی خاص»، «معنی تازه»، «معنی‌یاب»، «بی‌معنایی» و «مضمون تازه» در تذکره‌هایی مانند *تحفهٔ سامی*، *خلاصة الأشعار*، *عرفات العاشقین*، و *مجمع النفایس* از پرکاربردترین اصطلاحات هستند. تذکره‌نویسان با استفاده از اصطلاحاتی مانند «اشعار عاشقانه»، «معانی خاص»، «اشعار بی‌معنی»، «اشعار درویشانه»، «اشعار وقوعی»، «اشعار واسوختی»، «اشعار مداحانه»، «اشعار صوفیانه»، «ابیات مضحکه»، و «اشعار موحدانه» سعی می‌کنند موضوع و محتوای اشعار را توصیف کنند و در این توصیفات به شکل بیان و الفاظ توجهی ندارند.

٤.۲ رویکرد تطبیقی

اساس سبک‌شناسی بر تطبیق و مقایسه است. یکی از بنیادهای علم سبک‌شناسی امروز نیز تطابق و مقایسه است. در تذکره‌های زبان فارسی نیز هرگاه به مسئلهٔ طرز و شیوهٔ شاعری توجه می‌شود، رویکرد تطبیقی نیز وجود دارد؛ زیرا شناخت سبک و طرز خاص هر شاعر

www.SID.ir

Archive of SID

نیاز به بررسی شباهت و تفاوت و تمایزات آن شاعر با دیگر شاعران هم‌عصر و گذشته دارد. در این توصیفات عموماً شعرای ناشناخته با شعرای معروف و شناخته‌شده بررسی می‌شوند. این شاعران گاهی معاصر و هم‌صحبت هستند و گاهی تفاوت زمانی زیادی بین آن‌ها و شاعر مقلّد و متتبع وجود دارد. موضوعاتی که در این رویکرد به آن‌ها توجه می‌شود بدین قرارند:

۱.۴.۲ برتری شاعر از دیگران شاعران

در این توصیفات تذکره‌نویسان برخی از شاعران را برتر از دیگر شاعران می‌دانند. این برتری شاعر گاهی در مقایسه با یک شاعر دیگر است و گاه با تمامی شاعران آن طرز. سام‌میرزا صفوی دربارهٔ سیمایی می‌نویسد: «تقلید تیتال می‌کند اما بدو نمی‌رسد. تیتال مسخرهٔ مقرر و مقلد بی‌نظیر خراسان بود. در تزریق‌گویی چندان ماهر و استاد بود که چند بیت بلکه هزار بیت در یک ساعت می‌گوید» (۱۳۸٤: ۲۵۰). کامی قزوینی *خمسهٔ* نظامی را برتر از *خمسهٔ* امیرخسرو می‌داند و در این باره می‌نویسد: «حضرت ملّا جامی قدّس سرّه می‌فرمایند که: 'میرخسرو غزل از خاقانی گذرانیده و *خمسهٔ* نظامی را کسی به از وی جواب نکرده؛ نزد عقل چنین می‌نماید که لطایف و دقایقی که در پنج گنج شیخ نظامی مندرج است، کس را میسّر نیست، بلکه مقدور نوع بشر نیست'» (بی‌تا: ذیل «امیرخسرو»).

۲.۴.۲ بیان تفاوت‌های طرزهای شعری

در این توصیفات تذکره‌نویسانی چون تقی‌الدین کاشی و خان‌آرزو، توصیفات ظریف و دقیقی از تفاوت‌های شعری شاعران ارائه می‌دهند. تقی‌الدین کاشی دربارهٔ تفاوت طرز کمال‌الدین اصفهانی با خاقانی و ظهیر فاریابی می‌نویسد: «استعارات و شکوه الفاظ خاقانی خاص اوست و پاکیزگی و سلاست در شعر ظهیر نیز خاص اوست و کمال‌الدین اسماعیل در ابداع معانی غریبه متانتی است که بسیار می‌ایستد تا مدعا را متین و پرمعنی و شیرین بیان کند» (۱۰۸۳: ۳۷۷ ر). تقی‌الدین هر یک از سه شاعر را در یک بعد از دیگری برتر می‌داند. در این توصیف' فرم‌گرایی خاقانی، درستی و سادگی نحو اشعار ظهیر فاریابی، و خلاق‌المعانی بودن کمال‌الدین اصفهانی به‌خوبی نشان داده می‌شود. خان‌آرزو نیز در توصیف طرز میرزا داراب‌بیگ جویا توصیف جالبی از تنوع و تفاوت طرز شعری شاگردان یک شاعر استاد ارائه می‌دهد و می‌نویسد: «اکثر صاحب‌سخنان کشمیر که در عهد فقیر بودند مثل ملا ساطع و عبدالغنی‌بیگ قبول شاگرد میرزا جویا بودند؛ هرچند طریقهٔ شعر

www.SID.ir

Archive of SID

قبول و جویا یکی نیست؛ چه قبول از قدما به سلمان و کمال خجندی و از متأخران به روش سلیم و تأثیر راه رفته و جویا اکثر متتبع صائب است و اندکی به روش میر معز نیز رفته» (۱۳۸۳: ۱/ ۳٤٤).

۳.۴.۲ بیان شباهت‌های طرزهای شعری

صادقی کتابدار (صادقی افشار) دربارهٔ سوسنی‌بیگ می‌نویسد: «طبعش با شعر امیر علی‌شیر نوایی خیلی موافقت داشته» (۱۳۲۷: ۱۱۸). هم‌چنین دربارهٔ قلیج‌بیگ می‌نویسد: «طبع شعرش به لهجهٔ [مولوی] رومی است» (همان: ۱۲۷). نصرآبادی دربارهٔ کتاب تاریخیِ شاعری به نام میرجلال می‌نویسد: «یاران که آن تاریخ را دیده‌اند، نقل می‌کنند که به طریق وصّاف نوشته» (۱۳۷۸: ۱/ ۱٤۸). خوشگو دربارهٔ محمد مقیم خان مسیح می‌نویسد: «شعر به طرز میرزا جلال اسیر می‌گوید» (۱۹۵۹: ۳/ ۲۱٤).

۴.۴.۲ نظر افراد زمانه دربارهٔ شاعران هم‌طراز

تقی‌الدین کاشی دربارهٔ خاقانی شروانی می‌نویسد: «طایفهٔ ممیزان اشعار مشارالیه را عدیل حکیم انوری دانسته‌اند و جمعی از فضلا اشعار او را بر حکیم ترجیح فرموده‌اند؛ چه اشعار وی من حیث اللفظ مضبوط‌تر است و در انشای استعارات قدرتش تمام‌تر» (۱۰۸۳: ۲۵۹ پ). صادقی کتابدار دربارهٔ خواجه حسین ثنایی می‌نویسد: «اگر اتفاقاً خواجه خودش حضور نداشته باشد، حضار اثبات می‌کنند که شعرش بی‌معنی است. آن عزیز خوب گفته است که در شرکت لفظ و معنی خواجه حسین ثنایی و مولانا محتشم دو نفری یک شاعر خوب تشکیل می‌دهند» (۱۳۲۷: ۱٤۹).

رویکرد تطبیقی در بیش‌تر تذکره‌های مورد بررسی به چشم می‌خورد؛ اما در تذکره‌های *مجمع الخواص*، *خلاصة الأشعار*، *سفینهٔ خوشگو*، و *مجمع النفایس* نمود بیش‌تری دارد. در برخی از این توصیفات، علاوه بر مقایسه‌های تطبیقی، تذکره‌نویسان نظر خود را نیز دربارهٔ شاعران بیان می‌کنند. این توصیفات غالباً در تذکرهٔ *خلاصة الأشعار* و *مجمع النفایس*، که بیش‌تر به مسائل سبکی پرداخته‌اند، دیده می‌شود.

۵.۲ رویکرد زبانی ـ بلاغی

رویکرد زبانی ـ بلاغی شامل دو نوع توصیف زبانی و بلاغی می‌شود. در توصیفات زبانی، تذکره‌نویسان بیش‌تر به مسائلی مانند تازگی ترکیبات زبانی، واژگان بیگانه، و زبان

www.SID.ir

Archive of SID

غیررسمی توجه می‌کنند و در رویکرد بلاغی، که بیش‌تر ناظر بر بُعد ادبی زبان است، به آرایه‌های بلاغی و سطوح ادبی زبان توجه می‌کنند.

۱.۵.۲ توصیفات زبانی

تذکره‌نویسان در توصیفات زبانی فقط به واژگان بسنده می‌کنند و به ساختارهای نحوی توجه خاصی نمی‌کنند. در تذکره‌های *سفینهٔ خوشگو* و *مجمع النفایس* توصیفاتی دیده می‌شوند که به ساختارهای نحوی زبان اشاره می‌کنند. خوشگو دربارهٔ شاعری به نام امام قلی‌خان می‌نویسد: «بسیار معانی تازه یافته و در بند و بست اکثر پا لغز نمایان دارد» (۱۹۵۹: ۳/ ١٤). آرزو نیز دربارهٔ شاعری به نام ملا عامل می‌نویسد: «استخوان‌بندی شعرش مضبوط‌تر از سخن ملا شوکت است» (۱۳۸۵: ۳/ ۱۰۸۹). از آن‌جا که توصیفات زبانی در ساختار نحوی در تذکره‌ها شواهدی ندارد، در این توصیفات نیز به‌یقین نمی‌توان ادعا کرد که اصطلاحات «بند و بست» و «استخوان‌بندی» به ساختارهای نحوی اشاره می‌کنند؛ زیرا این اصطلاحات می‌توانند همانند موارد مشابه خود در مورد الفاظ و واژگان باشند.

در رویکرد زبانی تذکره‌نویسان در سطح واژگان به مؤلف‌های زبانی ذیل توجه می‌کنند:

۱.۱.۵.۲ توجه به الفاظ و تازگی ترکیبات زبانی

در این توصیفات به لغات و ترکیبات تازهٔ شاعران توجه می‌شود. اصطلاحاتی مانند «الفاظ عجیب»، «الفاظ نابسته»، و «الفاظ غیرمتعارف» به ترکیبات و واژگان جدید اشاره دارند. تقی‌الدین کاشی دربارهٔ خاقانی می‌نویسد: «الفاظ و لغات بسیاری که الیوم متعارف نیست در میان اشعار ابیات او مندرج است» (۱۰۸۳: ۲۵۹پ). خوشگو دربارهٔ ناصرعلی سرهندی می‌نویسد: «طرز خیال را پایه به افلاک رسانیده و معنی‌های نجیب را در الفاظ غریب جلوه داده» (۱۹۵۹: ۳/ ۲). آرزو دربارهٔ محمدسعید اشرف می‌نویسد: «تلاش معنی‌های تازه بسیار کرد و فکرش مصروف همین است. الفاظ نابسته که در اشعار او اکثر است سببش همین بود» (۱۳۸۳: ۱/ ١٢٤)؛ و دربارهٔ ارادت خان واضح می‌نویسد: «در ترکیبات فارسیه تصرفات نمایان داشت» (همان: ۳/ ١٧٦٥). شاهنوازخان خوافی دربارهٔ خواجوی کرمانی می‌نویسد: «چون وی همه جا تلاش الفاظ غیرمتعارف دارد ملقب به نخلبند شعرا گردیده» (۱۳۸۸: ۳۲۸)؛ و دربارهٔ ظهوری می‌نویسد: «در فن انشا به خوش‌الفاظی و بی‌پردگی کلمات و استخوان‌بندی حروف اعجاز کرده» (همان: ۱۳۸).

۲.۱.۵.۲ بسامد واژگان زبان بیگانه

در این توصیفات تذکره‌نویسان به وجود واژگان زبان‌های دیگر در اشعار شاعران توجه

www.SID.ir

Archive of SID

می‌کنند. آرزو دربارهٔ ملاطغرای مشهدی می‌نویسد: «به سبب کثرت الفاظ هندی بعضی جاها بی‌ربطگی دارد» (۱۳۸۵: ۲/ ۲۷٦). دربارهٔ میرزا گرامی می‌نویسد: «بسیار در بند الفاظ نابسته و معانی تازه بود. گو از زبان غیر باشد مثل هندی و فرنگی» (همان: ۳/ ۱۳٦۲). تقی‌الدین کاشی دربارهٔ تاج‌الدین جامی می‌نویسد: «دیوان اشعارش در میان مردم پیدا می‌شود ولیکن اکثر به لغت مغولی گفته، لهذا الیوم آن اشعار متروک است» (۱۰۸۳: ٤٨٦ ر).

۳.۱.۵.۲ توجه به زبان غیررسمی

در این توصیفات تذکره‌نویسان به زبان‌ها و لهجه‌های غیررسمی زبان فارسی توجه می‌کنند. صادقی کتابدار دربارهٔ مولانا صیقلی می‌نویسد: «به لهجهٔ لرستان ابیات مشهور زیاد دارد» (۱۳۲۷: ۲۷). دربارهٔ شاعری به نام حافظ صابونی می‌نویسد: «از قزوین است. همه گونه شعر به زبان‌های مختلف می‌گفت. در مدح خان احمد قصیده‌ای به هفت لهجه ساخته بود. اغلب به لهجهٔ خودشان شعر می‌گفت» (همان: ٤٥). بداونی دربارهٔ شاعری به نام دانهی می‌نویسد: «اکثر شعر به همان زبان روستایانه می‌گفت و غزلیات به زبان فصیح نیز بسیار دارد» (۱۳۷۹: ۳/ ۱۵۹). آرزو دربارهٔ مخلص کاشی می‌نویسد: «در بعضی جاها بنای شعر را بر لهجه گذاشته» (۱۳۸۵: ۳/ ۱٤۸۱).

توصیفات زبانی در تذکره‌های *خلاصة الأشعار*، *مجمع الخواص*، *سفینهٔ خوشگو*، و *مجمع النفایس* در مقایسه با دیگر تذکره‌ها نمود بیش‌تری دارد. در این میان تذکرهٔ *مجمع النفایس* سهم بیش‌تری در این رویکرد و جنبه‌های مختلف آن دارد.

۲.۵.۲ توصیفات بلاغی

از ویژگی‌های بارز منتقدان دورهٔ صفوی در حوزهٔ مسائل سبکی کاربردی کردن، ابداع، و نوآوری آنان در قواعد و چهارچوب‌های بستهٔ بلاغت مدرسی قدما بوده است (شمیسا، ۱۳۸٦: ۱۲۸)؛ اما منتقدان هندی در تازه‌خیالی‌های شاعران نوطرز تأمل‌ها کردند و با معیارهای بلاغی تازه‌ای مواجه شدند (فتوحی، ۱۳۸۵ ب: ۲٤). با این حال در تذکره‌های این دوره نشان چندانی از مسائل بلاغی نیست. توصیفات بلاغی در تذکره‌های هندی، در مقایسه با تذکره‌های ایرانی، بیش‌تر به چشم می‌خورد. در میان تذکره‌های ایرانی مانند *تحفهٔ سامی*، *نصرآبادی*، و *عرفات العاشقین* نشانی از توصیفات و مباحث بلاغی نیست و فقط تقی‌الدین کاشی در تذکرهٔ خود به این مسائل پرداخته است.

با بررسی همین موارد اندک از توصیفات بلاغی، سیر تاریخیِ اضافه شدن و بیش‌تر شدن صناعات بلاغی در میان نظریات تذکره‌نویسان در طی قرونِ دهم تا دوازدهم قمری

www.SID.ir

Archive of SID

جلب توجه می‌کند. سیر تاریخی به این معنا که هر چه از قرن دهم به سمت تذکره‌های قرن دوازدهم پیش می‌رویم، به تعداد و تنوع آرایه‌های بلاغی در تذکره‌ها افزوده می‌شود. در تذکرهٔ *نفایس المآثر* فقط به آرایهٔ تشبیه و یک مورد آرایهٔ استعاره اشاره شده است (کامی قزوینی، بی‌تا: ذیل «قاسمی» و ذیل «محنتی سیستانی»). در تذکره‌های *خلاصة الأشعار* و *عرفات العاشقین* علاوه بر تشبیه به آرایهٔ استعاره و مجاز نیز اشاره شده است (کاشی، ۱۰۸۳: ۱۱۷۷ ر، ۷۰۰ پ؛ اوحدی بلیانی، ۱۳۸۸: ۲۱۶۱). در تذکره‌های *مجمع النفایس* و *سفینهٔ خوشگو*، علاوه بر موارد مذکور، از صنعت ایهام لفظی نیز سخن رفته است (خوشگو، ۱۹۵۹: ۳/ ۳۲، ۲۳٤؛ آرزو، ۱۳۸۵: ۲/ ٦۰۳؛ ۳/ ۱۵۵۵). و در نهایت تذکرهٔ *بهارستان سخن* به آرایه‌هایی چون تشبیه، استعاره، ایهام، و کنایه و سیر تاریخی صنایع بلاغی اشاره دارد. شاهنوازخان خوافی در تذکرهٔ *بهارستان سخن* دربارهٔ بدرچاچی می‌نویسد: «اکثر اشعار بدرچاچی، ملقب به فخر زمان، شامل تشبیه و کنایه است» (۱۳۸۸: ۹۱) و دربارهٔ محمد سعید اشرف می‌نویسد: «در فن شعر و معما ید بیضا داشت و اکثر تلاش وی به طرز ایهام بود» (همان: ٥۳٤).

خوافی دربارهٔ سیر تحول صنعت مدعامثل می‌نویسد: «و این صنعت در متأخرین بیش‌تر رواج یافته؛ خصوص صائب تبریزی و غنی کشمیری و دیگر معنی‌بندان حال به تبعیت ایشان به مرتبهٔ اعلی رسانده‌اند و به‌گوناگون طرز مدعامثل آرند» (همان: ۱۰۸). شاهنوازخان خوافی در توصیفات خود توجه زیادی به مسائل بلاغی دارد. او به موضوعاتی از قبیلِ سیر تاریخی و تحول صنایع ادبی و اشکال گوناگون آن در اشعار، صنعت مبالغه در میان متأخرین و متقدمین (همان: ۱۲۱)، تعداد ابیات غزل نزد قدما و متأخرین (همان: ۵۹)، قالب مستزاد (همان: ٦۵)، نگاه تاریخی به قالب غزل (همان: ٦۹)، و آرایهٔ بلاغی حذف (همان: ۱٤٦) اشاره کرده است.

یکی از دلایل این تفاوت‌ها و به بیان دیگر گسترش آرای تذکره‌نویسان به طرزهای جدیدی مربوط می‌شود که به مرور زمان به وجود می‌آمدند. برای مثال گسترش طرز ایهام‌بندان در هند باعث رواج اصطلاح «ایهام لفظی» در دو تذکرهٔ *سفینهٔ خوشگو* و *مجمع النفایس* شده است. بخشی از این پیش‌رفت‌ها نیز می‌تواند نشان از ترقّی و رشد سنت تذکره‌نویسی در زبان فارسی باشد.

۳. نتیجه‌گیری

در نظام اندیشهٔ قدما مفهومی با عنوان رویکرد به معنای علمی امروزی وجود نداشته است؛

www.SID.ir

Archive of SID

اما بسیاری از مبانی سبک‌شناسی جدید به شکلی ابتدایی و تکامل‌نیافته در بین دیدگاه‌های تذکره‌نویسان دورهٔ صفوی وجود داشته است. تذکره‌نویسان به جنبه‌های گوناگون طرزهای شعری توجه دارند. در میان این دیدگاه‌ها تقسیم‌بندی‌ها، تطابق‌ها، و فردّیت‌شناسی‌های ارزنده‌ای از طرزها و جریان‌های شعری موجود در زمان تذکره‌نویسان مشاهده می‌شود که در مطالعات سبک‌شناسی محققان معاصر مغفول مانده است. رویکردی که در گسترهٔ نظریات تذکره‌نویسان وجود دارد رویکرد شمّی است. در عین حال در ژرفای این رویکرد فراگیر شمّی، تأملات تاریخی، تطبیقی، محتوایی، و زبانی باارزشی نیز وجود داشته است.

کاربرد فراوان اصطلاحات ذوقی و استعاری، که بیش از هر چیز برخاسته از سلیقهٔ شخص تذکره‌نویس است، نشان می‌دهد ذوق و احساس تذکره‌نویسان از شاکله‌های مهم سبک‌شناسی به شمار می‌آمده و اهمیت داشته است. رویکرد تاریخی ـ جغرافیایی، هم از نظر گستردگی و هم از نظر اهمیت و اطلاعات ناب سبک‌شناختی در جایگاه نخست قرار دارد. تذکره‌نویسان، از این ایستار، هم طرزهای شعری رایج و موقعیت جغرافیایی آن‌ها را رصد کرده‌اند و هم ملاحظاتشان را دربارهٔ ذوق غالب زمانه و روند متروک شدن سبک‌های قدیم ثبت و حتی افت و خیزهای سبک فردی و گونه‌های ادبی در طول زمان را بررسی کرده‌اند.

توصیفات محتوایی نیز در تمام تذکره‌های مورد بررسی به طوری چشم‌گیر وجود دارد و نشان از این دارد که قدما در توصیفات سبک‌شناسانهٔ خود به مسائل محتوایی نیز توجه کرده‌اند. تذکره‌نویسان در رویکرد تطبیقی، به تفاوت‌ها، شباهت‌ها، تأثیرپذیری شاعران از یک‌دیگر، تقلید و تتبع آن‌ها، و ... توجه دارند و البته تأملات زبانی نکته‌سنجانه‌ای نیز در میان نظریات تذکره‌نویسان به چشم می‌خورد.

هرچه از قرن دهم به سمت قرن دوازدهم پیش می‌رویم به کمیت و کیفیت توصیفات تذکره‌های مورد بررسی افزوده می‌شود؛ از نظریات ذوقی کاسته می‌شود و دقت نظر تذکره‌نویسان دربارهٔ مسائلی چون سیر در تحول وقایع سبکی (درزمانی) و توجه به مسائل زبانی و بلاغی بیش‌تر، انتقادی‌تر، و علمی‌تر می‌شود. در دورهٔ صفوی تذکره‌های هندی سهم بیش‌تری در حوزهٔ موضوعات انتقادی و سبک‌شناسانه داشته‌اند. موضوعات سبکی در تذکره‌های هندی، به دلیل توجه بیش‌تر آن‌ها به مسائل فرازبانی، نمود بارزتری داشته است. از طرف دیگر توصیفات شاعرانه و ذوقی در تذکره‌های ایرانی جلوهٔ بیش‌تری دارد. در میان تذکره‌های ایرانی فقط تذکرهٔ *خلاصة الأشعار* تقی‌الدین کاشی به موضوعات سبکی توجه خاصی نشان داده و از این قاعده مستثنا بوده است. این تذکره به موضوعات سبکی پرداخته و از لحاظ کیفیت، تنوع، و کمیت جزء برترین تذکره‌های زبان فارسی است.

www.SID.ir

Archive of SID

تذکره‌نویسان اگرچه به صورت منسجم به موضوعات سبکی و نقد ادبی نپرداخته‌اند، اما از طریق استنباط‌های ذهنی و توصیفات شمّی آرای صائب مستندات نابی به دست داده‌اند. بنابراین در سبک‌شناسی و تاریخ‌ادبیات‌نویسی جدید برای رسیدن به جریان‌شناسی دقیق و جزئی لازم است تمرکز خود را بر تذکره‌ها و متون دست اول بیش‌تر کنیم و از تقسیم‌بندی‌های کلیِ سبک و تاریخ ادبی بپرهیزیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای دیدگاه تذکره‌نویسان دربارهٔ موضوعات سبکی رویکردهای دیگری نیز می‌توان متصور شد؛ اما کم بودن شواهد ممکن است باعث چنین ظنی شود که نویسندگان با گزینش چند نمونه یا حتی موارد خاص سعی در اثبات نظر خود دارند و ادعا از مستندات قوی بهره‌مند نیست. رویکردهایی که در ادامه خواهند آمد شواهد بسیاری در تذکره‌ها دارند و بنابراین نمی‌توان منکر آن شد.

۲. منظور از حرف پ پشت برگ (صفحه) نسخهٔ خطی و منظور از حرف ر روی برگ نسخهٔ خطی است.

۳. ← شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ٤٥، ٥٠؛ فتوحی، ۱۳۸۵ الف: ١٦٣، ١٧٧.

٤. گفتنی است که طرز آصفی بعدها در طرز نازک‌خیال و دورخیال هندی مورد توجه بسیاری از شاعران و متتبعان قرار گرفت. اصطلاح «متروک» در نظر تقی‌الدین بیش‌تر ناظر بر تفاوت این طرز با طرز همه‌گیر وقوعی در زمان تذکره‌نویس است.

۵. اصطلاح «عام‌فریب» را از تذکره‌ها اخذ کرده‌ایم. این اصطلاح معنی منفی ندارد. معنای آن مشابه معنای اصطلاح دل‌فریب نزد امروزیان است.

منابع

آرزو، سراج‌الدین علیخان (۱۳۸۳). *مجمع النفایس*، به کوشش زیب‌النسا علیخان، ج ۱، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

آرزو، سراج‌الدین علیخان (۱۳۸۵). *مجمع النفایس*، به کوشش مهرنور محمدخان با هم‌کاری زیب‌النسا علیخان، ج ۲ و ۳، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

اوحدی بلیانی، تقی‌الدین (۱۳۸۸). *عرفات العاشقین و عرصات العارفین*، ٦ جلد، تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.

بداونی، عبدالقادر (۱۳۷۹). *منتخب التواریخ*، تصحیح توفیق سبحانی و مولوی احمدصاحب، ج ۳، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

www.SID.ir

Archive of SID

بلگرامی، آزاد (۱۳۹۰). *خزانهٔ عامره*، تصحیح ناصر نیکوبخت و شکیل اسلم‌بیگ، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

بهار، محمدتقی (۱۳٦۳). *سبک‌شناسی (تطور نثر فارسی)*، تهران: امیرکبیر.

خوشگو، بنداربنداس (۱۹۵۹). *سفینهٔ خوشگو*، تصحیح محمد عطاءالدین عطاکاکوی، ج ۳، پتنه (بهار): انتشارات ادارهٔ تحقیقات عربی و فارسی.

شاهنوازخان خوافی، میرعبدالرزاق (۱۳۸۸). *بهارستان سخن*، تصحیح و تعلیق عبدالمحمد آیتی و حکیمه دست‌رنجی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

شجیعی، پوران (بی‌تا). *سبک شعر پارسی در ادوار مختلف به سبک خراسانی*، شیراز: دانشگاه شیراز.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۲). «مسائل سبک‌شناسی از نگاه آرزو»، *جستارهای ادبی*، س ۱۲، ش ۱.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۵). *شاعری در هجوم منتقدان*، تهران: آگه.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۷). *ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما*، ترجمهٔ حجت‌الله اصیل، تهران: نشر نی.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۱). *رستاخیز کلمات*، تهران: سخن.

شفیعیون، سعید (۱۳۸۸). «تزریق، نوعی نقیضهٔ هنجارستیز طنزآمیز»، *ادب‌پژوهی*، س ۳، ش ۱۰.

شمیسا، سیروس (۱۳۸٦). *نقد ادبی*، ویراست دوم، تهران: میترا.

صائب تبریزی، محمدعلی (۱۳۷۰). *دیوان*، ٦ جلد، به کوشش محمد قهرمان، تهران: علمی و فرهنگی.

صفوی، سام‌میرزا (۱۳۸٤). *تحفهٔ سامی*، تصحیح رکن‌الدین همایون‌فرخ، تهران: اساطیر.

غلامرضایی، محمد (۱۳۸۷). *سبک‌شناسی شعر پارسی*، تهران: جامی.

فتوحی، محمود (۱۳۸۵ الف). *نقد ادبی در سبک هندی*، ویراست دوم، تهران: سخن.

فتوحی، محمود (۱۳۸۵ ب). *بلاغت تصویر*، تهران: سخن.

فتوحی، محمود (۱۳۸۷). *نظریهٔ تاریخ ادبیات*، تهران: سخن.

فتوحی، محمود (۱۳۹۰). *سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها، روش‌ها)*، تهران: سخن.

فتوحی، محمود (۱۳۹۳). «سبک واسوخت در شعر فارسی»، تهران: مجلهٔ *شبه قاره*، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، س ۳، ش ۳.

کاشی، تقی‌الدین (۱۳۸٤). *خلاصة الأشعار و زبدة الأفکار*، تصحیح عبدالعلی ادیب برومند و محمدحسین نصیری کهنمویی، تهران: میراث مکتوب.

کاشی، تقی‌الدین (۱۳۸٦). *خلاصة الأشعار و زبدة الأفکار*، تصحیح عبدالعلی ادیب برومند و محمدحسین نصیری کهنمویی، تهران: میراث مکتوب.

کاشی، تقی‌الدین (تاریخ تألیف ۱۰۱٦ ق/ تاریخ کتابت: ۱۰۸۳ ق). *خلاصة الأشعار و زبدة الأفکار* [نسخهٔ خطی]، مشهد: میکروفیلم کتاب‌خانهٔ دانشکدهٔ ادبیات، نمرهٔ مسلسل ۳۱۲.

کاشی، تقی‌الدین (تاریخ تألیف: ۱۰۱٦ ق/ تاریخ کتابت: بی‌تا). *خلاصة الأشعار و زبدة الأفکار* [نسخهٔ خطی]، هند: کتاب‌خانهٔ چشمهٔ رحمت، نمرهٔ مسلسل ۸٤

www.SID.ir

Archive of SID

کامی قزوینی، میرعلاءالدوله حسینی (تاریخ تألیف ۹۹۷ ق/ تاریخ کتابت: بی‌تا). *نفایس المآثر* [نسخهٔ خطی]، مشهد: میکروفیلم کتاب‌خانهٔ آستان قدس رضوی، نمرهٔ مسلسل ۱۹۷۸۷//۲۳۸۸.

کتابدار، صادقی (۱۳۲۷). *مجمع الخواص*، ترجمهٔ عبدالرسول خیامپور، تبریز: چاپ‌خانهٔ اختر شمال.

لودی، شیرعلیخان (۱۳۷۷). *مرآت الخیال*، به اهتمام حمید حسینی و هم‌کاری بهروز صفرزاده، تهران: روزنه.

نثاری بخاری، بهاءالدین حسن (۱۹۶۹). *مذکر احباب*، با تصحیح عبدالوهاب بخاری و محمد فضل‌الله، تهران: وزارت آموزش و پرورش.

نصرآبادی، محمدطاهر (۱۳۷۸). *تذکرة الشعرا*، تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.

www.SID.ir